

جایگاه جانوران در شعر و قرآن

مؤلفان:

نکیسا بهرامی

سیده زهرا حسینی

www.ketab.ir

بهار

۱۴۰۱



سرشناسه: بهرامی، نکيسا، ۱۳۶۶-
عنوان و نام پديدآور: جاىگاه جانوران در شعر و قرآن/ مولفان نکيسا بهرامی، سيده زهرا حسيني؛
ويراستاران سعيد تارى، نجار کلايى، کمال شيرسوار، بهزاد محمودى کلاريجانى، روانبخش محمدى.

مشخصات نشر: امل: وارث و ا. ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهري: ۸۲ص.

شابک: 978-622-7305-88-3

وضعيت فهرست نویسی: فيها

موضوع: حيوانات در ادبيات

Animals in literature

حيوانات -- شعر

Animals -- Poetry

حيوانات در قرآن

Animals in the Qur'an

شناسه افزوده: حسيني، سيده زهرا، ۱۳۶۳-

رده بندى کنگره: ۲۳۲۳PIR

رده بندى ديويى: ۸۳۶۲/۸۴۰

شماره کتابشناسى ملي: ۸۷۷۰۵۳۶

اطلاعات کتابشناسى ملي: فيها



جاىگاه جانوران در شعر و قرآن

مولفان: نکيسا بهرامی - سيده زهرا حسيني

ويراستاران: سعيد تارى - نجار کلايى - کمال شيرسوار

بهزاد محمودى کلاريجانى - روانبخش محمدى

ناشر: وارث و ا.

نوبت چاپ: اول - بهار ۱۴۰۱

چاپ و صحافي: پايتخت - مابين

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قيمت: ۴۰۰۰۰ ريال

شابک: ۳ - ۸۸ - ۷۳۰۵ - ۶۲۲ - ۹۷۸

حق چاپ و نشر محفوظ است

انتشارات وارث و ا

امل، ميدان ۱۷ شهرپور، ابتداي خ نور، فجر دوم، ساختمان بهارستان، طبقه دوم

ايميل: vareshva28@yahoo.com

دورنگار: ۰۱۱ ۴۴۲ ۶۸۷۰۹ - تلفن: ۰۱۱ ۴۴۲ ۶۸۷۰۹ - ۰۹۱۱ ۱۲۷ ۶۶۱۰

* مقدمه:

زبان یکی از جنبه‌های رازآمیز وجود انسان است که پس از قرن‌ها هنوز آن را آن گونه که باید شناخت، نشناخته‌ایم. شناسایی زبان به صرف وقت، فکر و قدرت زیادی نیاز دارد، از طرفی تا کسی زبان را خوب نشناسد نمی‌تواند از آن به شایستگی استفاده کند.

زبان یک نهاد اجتماعی است، بررسی حالت روانی، شیوه‌ی زندگی، طرز عمل کردها و پندارهای هر قومی از مطالعه، شناخت زبان و زبان‌زدهای آن قوم امکان‌پذیر است.

نقش آفرینی حیوانات در آثار ادبی، خود پیشینه و بستری طولانی و متنوع دارد. حضور حیوانات و پرندگان در داستان، شیوه و شگردی است که تازگی و توانایی دیگری به اثر می‌بخشد؛ دست کم از حضور تکراری و یکنواخت شخصیت‌های انسانی می‌کاهد و اثر را دارای جذابیت و تنوع می‌کند. بهره‌گیری از جانوران و پرندگان در آثار ادبی، و شخصیت بخشیدن به آن‌ها، پیشینه‌ی درازی دارد و در قلمرو ادبیات، نوعی از ادبیات را به وجود آورده است که از آن با عنوان «فابل» یاد کرده‌اند.

«فابل» در اصطلاح ادبی، داستان ساده و کوتاهی است که معمولاً شخصیت‌های آن حیوانات هستند و هدف آن آموختن و تعلیم یک اصل و حقیقت اخلاقی یا معنوی است. البته فابل گاهی نیز برای داستان‌های مربوط به موجودات طبیعی و یا وقایع خارق العاده و افسانه‌ها و اسطوره‌های جهانی و داستان‌های دروغین و ساختگی به کار می‌رود. شخصیت در فابل اغلب حیواناتند اما گاهی اشیای بی جان، موجودات انسانی یا خدایان هم در آن حضور دارند. حکایت‌های حیوانات همیشه برای مردمان هر نسل و هر روزگاری از کشش و جذابیت خاصی برخوردار بوده است؛ چه برای کودکان و مردمان عامی و چه برای بزرگان و فرزندان، حتی بسیاری از نویسندگان و عارفان و فیلسوفان برای تعلیم و تبلیغ اندیشه‌ها و عقاید خود از زبان حیوانات به گونه‌ی تمثیلی بهره برده‌اند. معمولاً حیوانات با ویژگی‌های انسان‌ها مقایسه و سنجیده می‌شوند؛ برخی خیراندیش و نیکو گردانند و گروهی خوی اهریمنی و شر اندیشی دارند. مثلاً قهرمانان به صورت حیواناتی با خصوصیات ممتاز و پستندیده یا شخصیت‌های شیر با صفاتی ناپسند و نکوهیده ظاهر می‌شوند. دوشیزگان معصوم به هیأت کبوتر و قو و خرگوش درمی‌آیند و ادم‌های بی‌رحم و حيله‌گر به شکل لاشخور و روباه و گرگ. (میر صادقی، ص ۸۴)

در پیشینه و پشتوانه‌ی فرهنگ و ادب فارسی آثار نسبتاً فراوانی وجود دارد که به نحوی از حیوانات و پرندگان استفاده کرده‌اند، می‌توان پیش از هر چیز، از افسانه منظوم درخت آسوریک، که شرح مناظره‌ی یک درخت و یک بز به زبان پهلوی است، نام برد. پس از ترجمه‌ی کتاب پنجه‌ی تنتره از زبان سانسکریت و پس از آن به فارسی، آثار زیادی نوشته شده که حیوانات و جانوران در آن نقش داشته‌اند. البته بسیاری از این آثار را نمی‌توان فابل دانست؛ ولی به دلیل بهره‌گیری از شخصیت و نقش حیوانات، آن‌ها از توجه و اقبال بیشتری برخوردار بوده‌اند.

شیخ شهاب الدین سهروردی در اثر «لغت موران» با ده داستان نمادین که پاره‌ای از آن‌ها از زبان شخصیت‌هایی چون لاک پشت، هدهد، خفاش و پرندگان دیگر سخن گفته است. شیخ اشراق در اثر دیگری با عنوان «قصه‌ی مرغان» که ترجمه‌ای از آثار ابن سینا و یا امام محمد غزالی است، به ماجرای مرغانی می‌پردازد که ابتدا به دام می‌افتند و پس از رهایی و عبور از کوه‌های نه گانه، به پیشگاه ملک می‌رسند. هنوز بند بر پای مرغان است که نتوانستند بردارند. خود ملک هم بند بر نمی‌دارد اما پس از شنیدن داستان آن‌ها و شرح اسارتشان، رسولی با آن‌ها می‌فرستد تا به آن که بند بر پای آن‌ها گذاشته است بگوید که بند را بردارد.